

ابهام در جرم‌انگاری

فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مُغایر و یا مُخل به شرع

مقدس اسلام

(ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹)

محسن پورمحمدی،* سیدحسین حسینی** و مجید شایگان فرد***

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۲	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷	شماره صفحه: ۸۷-۱۱۵
-------------------	--------------------------	-------------------------	--------------------

یکی از مهم‌ترین اصول قانون‌نویسی در حقوق کیفری، نگارش متن قوانین به صورت صریح و بدون ابهام است. در نظام حقوقی ایران، قانونگذار برای نخستین بار در سال ۱۳۹۹ در ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی، به جرم‌انگاری «فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مُغایر و یا مُخل به شرع مقدس اسلام» با استفاده از شیوه‌های کنترل ذهن و القائات روانی پرداخت و با استفاده از عباراتی مبهم و گاهی کلی، علاوه بر ایجاد زمینه تشدد آرای محاکم و سرگردانی سیاست جنایی قضایی، موجب شد در مواردی اصول کلی حقوق کیفری نیز مورد خدشه قرار گیرد. از این رو با استفاده از ترکیبی از داده‌های کتابخانه‌ای و میدانی در این پژوهش در پی یافتن پاسخ به ابهام‌های موجود در ماده (۵۰۰) مکرر و چگونگی رفع آنها پرداخته است؟ پس از بازخوانی ابهام، طبق نتایج و داده‌های به دست آمده، حذف برخی عبارات زائد و درعین حال مبهم و نیز جایگزینی عباراتی صریح و کمتر تفسیربردار، ضروری است.

کلیدواژه‌ها: جرم‌انگاری؛ مغایر؛ مُخل؛ شرع مقدس اسلام؛ کنترل ذهن؛ القائات روانی

* استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه امیرالمؤمنین (ع)، اهواز، ایران؛

Email: pormohamadi@amiralmomenin.ac.ir

** دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

Email: shosseini@um.ac.ir

(نویسنده مسئول)؛

*** استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، مشهد،

Email: drshayganfard@mshdiau.ac.ir

ایران؛

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و دوم، شماره یکصد و بیست و یکم، بهار ۱۴۰۴

doi: 10.22034/mr.2023.15345.5516

مقدمه

هرگاه در تشخیص معنای یک گزاره تردید وجود داشته باشد، ابهام^۱ ایجاد می‌شود؛ به عبارت دیگر، ابهام هنگامی پدید می‌آید که از هر گزاره قانونی بیش از یک معنا قابل برداشت باشد (صادقی‌مقدم و امام‌وردی، ۱۳۹۲: ۱۳۸) و افراد معقول اهل فن معانی متعدد از آن دریافت کنند (امیدی، ۱۳۹۴: ۶۹). در نظام حقوقی ایران، قانونگذار برای نخستین بار در سال ۱۳۹۹ در ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی ذیل فصل جرائم امنیتی، به جرم‌انگاری «فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مُغایر و یا مُخلّ به شرع مقدس اسلام» با استفاده از شیوه‌های کنترل ذهن و القائات روانی پرداخته است. این اقدام قانونگذار، هرچند ممکن است در جرم‌انگاری فعالیت‌های اعتقادی انحرافی، رویکرد مثبت و جدیدی را تداعی کرده و گامی رو به جلو در جهت مصون‌سازی جامعه از افکار، عقاید و آیین انحرافی برداشته باشد؛ اما با استفاده از عباراتی مبهم، دوپهل و گاهی کلی و همچنین استفاده از عباراتی که ریشه فقهی یا حقوقی نداشته و بعضاً نامأنوس با ادبیات حقوقی هستند، زمینه تشّت آرای محاکم و سرگردانی سیاست‌جنایی قضایی کشور را به وجود آورده است. بدین گونه موجب شده در مواردی، اصول کلی حقوق کیفری نیز مورد خدشه قرار گیرد.

با اینکه ابهام موضوع تفسیر است؛ اما کانون بحث در تفسیر، رفع ابهام است (دیلمی، ۱۳۸۲: ۱۸) و کمتر به شناخت ابهام توجه می‌شود. بر این بنیاد، شناخت تفصیلی نسبت به ابهام می‌تواند زمینه را برای زدودن آگاهانه‌تر آن فراهم کند. از این رو، نیاز است که ابهام‌های موجود در ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی مورد بازخوانی قرار گیرد.^۲

۱. به نظر می‌رسد «اجمال» در یکی از معانی خود که همان «چند معنایی» باشد، با «ابهام» هم معنا است (در معنای دیگر، اجمال در برابر تفصیل به کار می‌رود) (قیاسی، ۱۳۹۸: ۳۳؛ امام‌وردی، ۱۳۹۹: ۱۵). همچنین طبق نظر صاحب کفایه الاصول: «و الظاهر: أنّ المراد من المبیّن فی موارد إطلاقه: الکلام الذی له ظاهر، ویکون بحسب متفاهم العرف قالباً لخصوص معنی؛ والمجمل بخلافه» (آخوند خراسانی، ق ۱۴۰۹: ۳۵۲) مجمل آن است که عرفاً برای یک معنای خاص به کار برده نمی‌شود و صاحب اصول مظفر درخصوص معنای مجمل بیان داشته است: «آته ما لم تتضح دلالت» (مظفر، ۱۳۹۱: ۳۴۰) مجمل چیزی است که دلالتش واضح و ظاهر نباشد.

۲. ممکن است در توجیه اقدام قانونگذار، این گونه استدلال شود که چون جرائم علیه امنیت، دارای ابعاد، مصادیق و آثار مختلف و گاه متضاد است و پیش‌بینی همه آنها را برای قانونگذار کیفری، غیرممکن می‌سازد؛ بنابراین نزدیک‌تر به صواب آن است که قانونگذار تعمداً به استعمال عبارات مبهم و تفسیربردار در جرم‌انگاری این گونه اعمال مبادرت کند

هدف از این پژوهش، استفاده از نتایج و داده‌های به‌دست آمده در اصلاح و بازنگری قانون مجازات اسلامی است.

۱. روش‌شناسی پژوهش

اعتبار هر پژوهشی به روش‌شناسی و تحقیق آن بستگی تام دارد؛ زیرا روش تحقیق، پژوهشگر را به مسیری صحیح برای یافتن پاسخ پرسش‌های علمی هدایت می‌کند. دستیابی به اهداف تحقیق میسر نخواهد بود، مگر زمانی که جستجوی شناخت با «روش‌شناسی» صورت پذیرد. به عبارت دیگر، تحقیق از حیث روش است که اعتبار می‌یابد نه از حیث موضوع تحقیق (خاکی، ۱۳۸۶: ۱۵۵). از این رو پژوهش حاضر براساس تحلیل کیفی داده‌ها^۱ (نه تحلیل کمی) تدوین شده است. جهت جمع‌آوری اطلاعات درخصوص مبانی نظری، از روش مطالعه کتابخانه‌ای استفاده شد و روش گردآوری داده‌ها میدانی، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و عمیق^۲ با ۱۳ نفر از قضات دادسرا و دادگاه انقلاب با میانگین هر مصاحبه ۵۳ دقیقه (کمینه ۲۲ دقیقه، بیشینه ۸۳ دقیقه) است. بنابراین در این مرحله، دستیابی به توصیف عمیق و غنی از تجارب و ادراک مورد توجه قرار گرفت. بر این اساس پژوهشگر از طریق مصاحبه‌های اکتشافی به صورت حضوری، انفرادی و چهره‌به‌چهره، داده‌های میدانی لازم را جمع‌آوری کرده و برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی و میدانی، از نرم‌افزار «مکس کیودا»^۳ استفاده شده است.^۴ این نرم‌افزار از عملکرد خوبی برای تجزیه و تحلیل حرفه‌ای داده‌های کیفی به خصوص متون مصاحبه‌ها برخوردار است و برای محققان در زمینه رشته

تا بدین طریق بتواند برای تمامی ابعاد، مصادیق و آثار مزبور، حکمی مقرر کند.

۱. اگر در تحقیق، اطلاعات دریافتی یا جمع شده تابع صرف تجمیع آمار و ارقام نباشد، بلکه براساس تحلیلی فراتر از اعداد باشد، از آن به عنوان «تحلیل کیفی» یاد می‌کنیم که در این نوع تحقیق، تأکید بر آمار و ارقام نیست و صرفاً به محتوای داده‌ها و نوشته‌ها توجه می‌شود (جاوید، ۱۳۹۸: ۹۶).

۲. مصاحبه از ابزارهای بسیار وقت‌گیر و ارزشمند برای گردآوری داده‌ها است که مطالب بسیاری درباره انواع مختلف محیط‌های اجتماعی و اعضای آنها فاش می‌کند (چمپیون، ۱۳۹۵: ۳۹۰). مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، دارای فهرستی از پیش‌تعیین بوده و از پرسش‌های با پاسخ نسبتاً ثابت تشکیل می‌شود. در اغلب موارد مصاحبه‌گران نسبت به فهرست این چارچوب، متعهد هستند (همان: ۳۹۷).

3. MAXQDA 2020

۴. نرم‌افزار MAXQDA ۲۰۲۰ (مکس کیودا) ساخت کشور آلمان و تاریخ انتشار پایدار آن در ۵ دسامبر ۲۰۱۷ است.

حقوق که در حوزه‌های کاری آنها با تجزیه و تحلیل متن سروکار دارند، مطلوب است. در این پژوهش، پس از اتمام مصاحبه‌ها و پیاده‌سازی آنها، در نرم‌افزار مکس کیودا کدگذاری باز و محوری صورت گرفت.

۲. سازمان‌دهی پژوهش

در پژوهش انجام شده با بررسی‌های کتابخانه‌ای و میدانی، سه عبارت دارای ابهام در ماده (۵۰۰) مکرر به‌دست آمد، سازمان‌دهی پژوهش نیز بر همان اساس در سه عنوان «ابهام در مفهوم کنترل ذهن و القاءات روانی»، «ابهام در مفهوم شرع مقدس اسلام» و «ابهام در مفهوم فعالیت آموزشی و یا تبلیغی مغایر و یا مخل»، صورت پذیرفت. از این‌رو ابتدا الگوی پارادایم ابهام در فعالیت آموزشی و تبلیغی انحرافی مغایر و مخل به شرع مقدس اسلام و جدول توزیع فراوانی بخش‌های کدگذاری شده، ارائه می‌شود و سپس سه عنوان فوق‌الذکر مطابق با یافته‌های کتابخانه‌ای و میدانی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

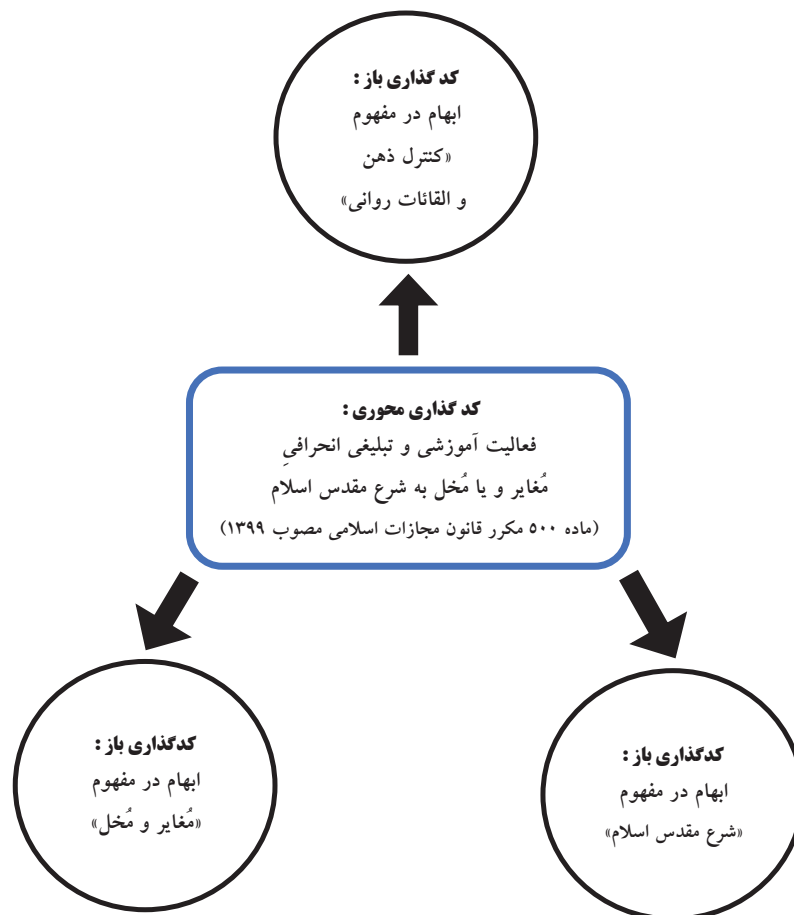
۳. ابهام در مفهوم «کنترل ذهن و القاءات روانی»

«کنترل ذهن و القای روانی» امروزه موضوع بسیار کلیدی و استراتژیک در جهان (کریمی‌نیا، انصاری مقدم و زاهدی، ۱۴۰۰: ۱۴) و یکی از راه‌های تأثیرگذاری بر دیگران در ارتکاب رفتار مجرمانه است و می‌تواند افراد را به سمت وسوی ارتکاب رفتار مجرمانه سوق دهد. همواره در جوامع مختلف، افرادی هستند که با سوءاستفاده از قدرت و توانمندی‌های استدلالی و هنری بر دیگران تأثیرگذارند و آنها را به انجام فعالیت‌های خود هدایت کنند (سلیمی، ۱۴۰۱: ۲). از این‌رو می‌توان گفت در عصر حاضر قدرت ذهن بر قدرت بازو، برتری یافته است (جهانیان و روحی، ۱۳۹۹: ۱۹۹). طبق مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی، یکی از ابهام‌های مهم در ماده (۵۰۰) مکرر^۱ عبارت «کنترل ذهن و القاءات روانی»

۱. ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹، سابقه‌ای در قوانین جزایی بعد از انقلاب نداشته و محتوای آن نیز مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته بود. به‌نظر می‌رسد هدف از تصویب این ماده (به‌خصوص بند «۲») جرم‌انگاری

است. از این رو در ادامه ابتدا نمونه بخش‌های کدگذاری شده کد ابهام در مفهوم «کنترل ذهن و القائات روانی» در قالب جدول ارائه می‌شود و سپس به چگونگی تحقق فعالیت آموزشی یا تبلیغی از طریق کنترل ذهن و القای روانی می‌پردازد.

شکل ۱. الگوی پارادایمی «ابهام در فعالیت آموزشی و تبلیغی انحرافی مغایر و مخل به شرع مقدس اسلام»



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

رفتاری است که موجب تغییر و انحراف شناخت افراد نسبت به افکار دینی و عقاید مذهبی شده و بر ذهن و روان مخاطب تأثیر می‌گذارد.

جدول ۱. توزیع فراوانی بخش‌های کدگذاری شده

کد محوری «فعالیت آموزشی و تبلیغی انحرافی مُغایر و یا مُخل به شرع مقدس اسلام»

کدگذاری محوری	کدگذاری باز (کدگذاری آزاد)	تعداد بخش‌های کدگذاری شده
فعالیت آموزشی و تبلیغی انحرافی مُغایر و یا مُخل به شرع مقدس اسلام ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹	ابهام در مفهوم «کنترل ذهن و القائات روانی»	۳۸
	ابهام در مفهوم «شرع مقدس اسلام»	۳۵
	ابهام در مفهوم «فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مُغایر و یا مُخل»	۴۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

جدول ۲. نمونه بخش‌های (متن) کدگذاری شده،

کد ابهام در مفهوم «کنترل ذهن و القائات روانی»

کدگذاری محوری	کدگذاری باز	کد	نمونه بخش‌های (متن) کدگذاری شده
فعالیت آموزشی و تبلیغی انحرافی مُغایر و یا مُخل به شرع مقدس اسلام ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹	ابهام در مفهوم «کنترل ذهن و القائات روانی»	P 517	عبارت «کنترل ذهن و القائات روانی»، هم عبارتی نامأنوس با ادبیات حقوق کیفری و هم مبهم است و به‌نظر می‌رسد از امور فنی باشد که اهل فن، مثل کسانی که در حوزه روان‌شناسی فعالیت می‌کنند می‌توانند معنی آن را بیان کنند، اما آن‌طور که از ماده قانونی و سیاق قانون ماده (۵۰۰) مکرر برمی‌آید شامل عرفان‌های کاذب و دروغین می‌شود.
		P 520	مجلس شورای اسلامی شاید متعهد باشد اما متخصص نیست، از این‌رو قوانین غیرشفاف وضع می‌کند، به‌منظر من مجلس باید به چالش کشیده شود. ابهام‌های زیادی در جرم‌انگاری ماده (۵۰۰) مکرر وجود دارد؛ از جمله مفهوم عبارت «کنترل ذهن و القائات روانی».
		P 503	با توجه به بند «۲» ماده (۵۰۰) مکرر، به‌نظر می‌رسد عبارت «کنترل ذهن و القائات روانی» با فعالیت آموزشی و تبلیغی محقق می‌شود، اما فعالیتی که در آن استدلال و دلیل نباشد؛ مثلاً با الفاظ بازی می‌کند یا با محبت یا خواب دیدن، القای روانی صورت می‌گیرد. به‌عنوان نمونه جریان یمانی؛ این جریان هیچ‌گونه منبع دینی و استدلالی ندارد، «کنترل ذهن و القائات روانی» کاملاً بر این مسئله تطبیق می‌کند؛ چرا؟ چون بیشتر افرادی که عقاید جریان یمانی را پذیرفتند، با خواب دیدن یقین پیدا کردند که افکار، عقاید و آیین جریان یمانی بر حق است (این جریان استدلالی نیست و با بازی در الفاظ تبلیغات می‌کنند).
		P 521	وقتی به فردی مطلبی آموزش داده می‌شود، درواقع با ورود اطلاعات به ذهن او، عملاً «کنترل ذهن» محقق می‌شود. به‌نظر بنده مفهوم نهایی «کنترل ذهن» و «القای روانی» برابر هستند. درنتیجه با هرگونه فعالیت آموزشی و تبلیغی اندک، طریقت بیان شده در صدر ماده (کنترل ذهن و القائات روانی) صورت می‌پذیرد.

کدگذاری محوری	کدگذاری باز	کد مصاحبه‌شونده	نمونه بخش‌های (متن) کدگذاری شده
فعالیت آموزشی و تبلیغی انحرافی مُعایر و یا مُخل به شرع مقدس اسلام ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹	ابهام در مفهوم «کنترل ذهن و القائات روانی»	P 505	رفتار ماده (۵۰۰) مکرر با فعالیت‌های جریان شعور کیهانی تطبیق دارد که از طریق ارتباط با غیب و اجنه و در نهایت تسخیر ذهن، اموری را آموزش می‌دهند.
		P 507	منظور از کنترل ذهن و القائات روانی، هیپنوتیزم نیست، منظور آن است که فردی بر اثر فشار روحی و ذهنی ایجاد شده مطلبی را بپذیرد: مثل القایی که با بازی نهنگ آبی ایجاد می‌شود و در مرحله آخر بازی فرد باید خودکشی کند یا مانند «داعشی» عملیات انتحاری انجام دهد.
		P 504	به نظر می‌رسد مصداق آموزش و تبلیغ از طریق «کنترل ذهن و القائات روانی» حلقه عرفانی شعور کیهانی است.
		P 506	به نظر بنده «کنترل ذهن و القائات روانی» ناظر بر فرقه‌ها و گروه‌هایی است که جهان‌بینی و ایدئولوژی خاصی ندارند و برای اثبات خود، برهان و استدلال ندارند و بیشتر از راه ارتباط معنوی و گاهاً محبت کردن، به جذب مخاطب و تبلیغ برای فرقه و گروه خود اقدام می‌کنند (مانند مسیحیت تبشیری).
		P 525	به نظر می‌رسد ضابطه تحقق کنترل ذهن و القائات روانی در بستر فضای مجازی، باید دقیقاً با قانونگذار مشخص شود.

مأخذ: همان.

قانونگذار با استعمال عبارات غیر حقوقی «کنترل ذهن» و «القائات روانی» در صدر ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی با توجه به عدم تبیین و توضیح مفهوم آنها، ابهام‌هایی به همراه داشته است. به نظر می‌رسد در این خصوص دو برداشت می‌توان ارائه کرد:

برداشت اول آن است که «کنترل ذهن» با استفاده از مجموعه‌ای از روش‌ها و ابزارها با هدف تأثیرگذاری و تسلط بر ذهن اطلاق می‌شود (سلیمی، ۱۴۰۱: ۳) که درواقع، همان توانایی مدیریت کردن افکار و باورهاست (جهانیان و روحی، ۱۳۹۹: ۲۰۰) و منظور از «القائات روانی» بیان مطالبی است که در روان مخاطب اثر می‌گذارد؛ به گونه‌ای که افکار و اعتقادهای وی تغییر یابد.^۱ البته با توجه به اینکه قانونگذار، نتیجه خاصی را در متن ماده ذکر نکرده، این جرم مطلق است و برای تحقق آن، تأثیرگذاری «فعالیت آموزشی و

۱. به عنوان مثال، فرد «الف» به دنیای پس از مرگ ایمان و اعتقاد راسخ دارد؛ اما فرد «ب» با استدلال‌های گوناگون و با استناد به آموزه‌های مادی‌گرایان، اعتقاد وی را تضعیف و در نهایت از بین می‌برد؛ به شکلی که فرد «الف» دیگر اعتقادی به آخرت نداشته و زندگی را محدود به همین جهان مادی می‌داند. به طور منطقی در چنین حالتی، نحوه زیست و شخصیت وی نیز تحت تأثیر اعتقادهای جدیدش، شکل متفاوتی نسبت به گذشته پیدا خواهد کرد. این مثال، معنای «القائات روانی» را روشن می‌کند و نشان می‌دهد چه تفاوت‌ها و عواقبی می‌تواند برای افراد به دنبال داشته باشد.

یا تبلیغی انحرافی» بر افراد شرط نشده و الزاماً به ایجاد انحراف در مخاطب نیاز نیست. باید اذعان داشت که امروزه آنچه از معنای «کنترل» به ذهن متبادر می‌شود، اجبار و عدم اختیار است؛ این اجبار و عدم اختیار را به‌خصوص در مواردی مانند «هیپنوتیزم» می‌توان مشاهده کرد و طی آن، فردی که هیپنوتیزم شده، رفتارهایی را انجام می‌دهد که بدون اراده و تحت تأثیر هیپنوتیزم است (اسدی وانانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴)؛ بر این مبنا، قانونگذار با استعمال عبارت «فعالیت آموزشی و تبلیغی» در بند «۲» ماده (۵۰۰) مکرر، فاقد تناسب با معنای واژه «کنترل ذهن» است. به بیان دیگر، نمی‌توان متصور بود که فردی، بدون اراده، آموزش ببیند؛ چراکه فراگیری آموزش، مستلزم وجود اراده و آگاهی است؛ توضیح مطلب اینکه با استفاده از «شیوه‌های کنترل ذهن در فضای واقعی یا مجازی» می‌توان اقدامی انجام داد که «موجب تسلط روانی یا جسمی بر دیگری گردد» (بند «۱» ماده ۵۰۰ مکرر)، اما نمی‌توان مخاطب را موضوع فعالیت‌های آموزشی قرار داد (بند «۲» ماده (۵۰۰) مکرر)؛ زیرا همان‌گونه که گفته شد، فراگیری آموزش، مستلزم وجود اراده و آگاهی است؛ بنابراین شمولیت عبارت «کنترل ذهن»^۱ بر بند «۱» ماده (۵۰۰) مکرر و عدم شمولیت آن بر فعالیت‌های آموزشی و تبلیغی موضوع بند «۲» را نمی‌توان عیناً به عبارات «القائات روانی» تسری داد و القائات روانی، شامل بندهای دوگانه ماده مزبور خواهد شد.^۲

بر مبنای آنچه گفته شد، در راستای تبیین مفهوم «کنترل ذهن» و «القائات روانی» و تطبیق آنها با بندهای دوگانه ماده (۵۰۰) مکرر می‌توان این‌گونه بیان داشت که: «کنترل ذهن» برای قربانی، حالتی غیرارادی ایجاد می‌کند و درخصوص بند «۱» قابل استناد

۱. به‌طور کلی، برای فهم دقیق ذهن، نیاز است مفهوم و رابطه آن را با مغز و روح دریابیم. مغز به‌مثابه رایانه یا سخت‌افزار است، فعالیت‌های ذهنی (کارکردهای شناختی، عاطفی و رفتاری) در حکم عملکردهای نرم‌افزاری این رایانه هستند و روح در حکم کاربر رایانه است که به فعالیت‌های ذهنی معنا می‌بخشد (مرعشی، ۱۴۰۰: ۳۷۳)؛ به عبارت دیگر، ذهن و مغز هردو جزء واحد هستند. ذهن، همان نرم‌افزار یا برنامه‌های اجرایی است و به سخت‌افزار این کامپیوتر مغز گفته می‌شود (جهانیان و روحی، ۱۳۹۹: ۲۰۱)؛ روح نیز در حکم کاربر رایانه است. فعالیت‌های رایانه به‌خودی‌خود معنایی ندارد؛ بلکه کاربر است که به این فعالیت‌ها معنا می‌بخشد (مرعشی، ۱۴۰۰: ۴۲۲).

۲. برگرفته از سؤال معاون قضایی رئیس کل دادگاه‌ها و سرپرست مجتمع جنایی و انقلاب اهواز از مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی قوه قضائیه و پاسخ آن مرکز به شماره دبیرخانه ۱۰۹۸/۴۸۰/۹۰۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۰۲.

است؛ اما در «القائات روانی»، مخاطب اراده و اختیار دارد و درخصوص بند «۱» و «۲» ماده مذکور قابل استناد است. البته درخصوص برداشت بیان شده، می‌توان این اشکال را مطرح کرد که بین دو عبارت «کنترل ذهن» و «القائات روانی»، حرف «واو» آمده و این حرف نشان‌دهنده همراهی و معیت دو عبارت مذکور با هم است. به بیان دیگر، ابتدا این گونه برداشت می‌شود که هم‌زمان عبارت «کنترل ذهن و القائات روانی» برای هر دو بند «۱» و «۲» ماده (۵۰۰) مکرر قابل استناد است. در پاسخ به این اشکال و در جهت رسیدن به تفسیر غایی از این عبارت، می‌توان بیان داشت قانونگذار توجه و تدقیق لازم را در استعمال این حرف نداشته و این امر ناشی از قانون‌نویسی غیرحرفه‌ای و غیرتخصصی است.

برداشت دوم آن است که هم‌زمان «کنترل ذهن و القای روانی» برای تحقق رفتار مجرمانه بند «۱» و «۲» به کار می‌رود؛ به این صورت که ممکن است «تسلط روانی یا جسمانی بر دیگری و فعالیت آموزشی یا تبلیغی» همراه با استدلال و دلیل^۱ باشد یا از طریق محبت کردن^۲ یا ایجاد فشار روحی و ذهنی^۳ بر دیگری محقق شود. در این برداشت می‌توان «فرایندهای ذهنی» را همان «فرایندهای روانی» دانست و مفهوم «روان» را مترادف با مفهوم «ذهن» قرار داد^۴ (مرعشی، ۱۴۰۰: ۴۰۵)؛ در این صورت «کنترل ذهن و القای روانی» از طریق ارائه استدلال یا محبت و ایجاد فشار روانی بر دیگری صورت می‌پذیرد. در تأیید این برداشت، یکی از روان‌شناسان معتقد است در تبیین فعالیت سه‌گانه ذهن، می‌توان این گونه بیان داشت که: بخش شناختی ذهن، عمدتاً ناشی از فعالیت قشر مخ و اثر بر این بخش، با استدلال یا دلیل است؛ بخش عاطفی عمدتاً ناشی از فعالیت دستگاه لیمبیک مغز و اثر بر این بخش، با تحریک عواطف و محبت کردن است؛ بخش رفتاری نیز عمدتاً ناشی از فعالیت قشر مخ و اثر بر بخش سوم با تغییر الگوهای رفتاری مانند پاداش و تنبیه است. لذا منظور از «ذهن»، مجموعه فرایندهای الکتریکی بسیار حجیم، منسجم، درهم‌تنیده و درعین حال منظم و هدفمند مغزی است (همان: ۴۲۴).

۱. به عنوان مثال جریان وهابیت.

۲. به عنوان مثال مسیحیت تبشیری.

۳. به عنوان مثال جریان داعش.

۴. البته این مسئله در علوم روان‌شناسی، به عنوان اشتباه مصطلح، پذیرفته شده است (مرعشی، ۱۴۰۰: ۴۰۵).

بنابراین عبارت «کنترل ذهن و القائات روانی» به معنای انتقال مفاهیم (از طریق استدلال یا تحریک عواطف) و نه به معنای اجبار به کار رفته است و به بند «۱» و «۲» ماده (۵۰۰) مکرر قابلیت استناد دارد.

درنهایت، هرچند با توجه به اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری و همچنین تفسیر منطقی از متن قانون، برداشت دوم به اصول حقوقی نزدیکتر است، اما باید در لایحه تعزیرات، عبارت فوق‌الذکر اصلاح یا مفهوم آن تبیین شود. به نظر نگارندگان، با توجه به اطلاق عبارت «هر اقدامی...» در ابتدای بند «۱» ماده (۵۰۰) مکرر و همچنین با عطف نظر به وضوح نسبی در مفهوم و مصداق عبارت «... فعالیت آموزشی و یا تبلیغی...» در صدر بند «۲»، آوردن عبارت «... و استفاده از شیوه‌های کنترل ذهن و القائات روانی...» (در صدر ماده مزبور) ضمن زائد بودن، بر ابهام‌های موجود بیش‌ازپیش افزوده است. بنابراین حذف عبارت اخیر در لایحه تعزیرات به منظور وضوح هرچه بیشتر عبارات قانونی، پیشنهاد می‌شود.

۴. ابهام در مفهوم «شرع مقدس اسلام»

تحقق بزه کیفری موضوع بند «۲» ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی، مشروط بر آن است که «فعالیت آموزشی و تبلیغی»، ضمن انحرافی بودن، مغایر یا مخلّ به «شرع مقدس اسلام» نیز باشد. بنابراین شرع مقدس اسلام^۱ (علاوه بر ذهن و روان افراد) به مثابه یک آماج مجرمانه، مورد حمایت کیفری قانونگذار واقع شده است. طبق مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی، یکی از ابهام‌های مهم در ماده (۵۰۰) مکرر، عبارت «شرع مقدس اسلام» است. از این رو ابتدا نمونه بخش‌های کدگذاری شده کد ابهام در مفهوم «شرع مقدس اسلام» در قالب جدول ۳ ارائه و سپس به بررسی مفهوم عبارت فوق پرداخته می‌شود.

۱. اسلام در لغت، به معنای انقیاد و گردن نهادن به حکم است و در اصطلاح، آخرین شریعت توحیدی است که خداوند با پیامبر گرانقدرش حضرت محمد (ص) برای هدایت مردم فرستاده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۵: ۳۰۰).

جدول ۳. نمونه بخش‌های (متن) کدگذاری شده،

کد ابهام در مفهوم «شرع مقدس اسلام»

کدگذاری محوری	کدگذاری باز	کد مصاحبه شونده	نمونه بخش‌های (متن) کدگذاری شده
فعالیت آموزشی و تبلیغی انحرافی مُغایر و یا مُخل به شرع مقدس اسلام ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹	ابهام در مفهوم «شرع مقدس اسلام»	P 503	هم شیعه و هم اهل سنت زیرمجموعه اسلام هستند، اما در اعتقادات تفاوت‌های زیادی دارند، از این جهت به‌نظر می‌رسد معنی و مفهوم «شرع مقدس اسلام» دارای ابهام است.
		P 508	منظور از «شرع مقدس اسلام» اعتقادات دینی مسلمانان است،
		P 504	مراد از «شرع مقدس اسلام» اصول دین اسلام است که آن هم بین شیعه و اهل سنت اختلافی است. اهل سنت اصول سه‌گانه و تشیع اصول اربعه را قبول دارند؛ یعنی طبق نظر اهل سنت اصول دین شامل توحید، معاد، نبوت می‌شود و طبق نظر تشیع اصول دین شامل توحید، معاد، نبوت، عدل و امامت می‌گردد.
		P 523	متأسفانه قوانین ما در حوزه جرائم امنیتی کلی و دوپهلو هستند، مانند استفاده از عبارت «شرع مقدس اسلام» در ماده (۵۰۰) مکرر که جدیداً تصویب شده است.
		P 524	مراد از «شرع مقدس اسلام» اصول دین است؛ یعنی توحید، نبوت، امامت، عدالت و معاد.

مأخذ: همان.

شرع مقدس اسلام با هیچ‌یک از تعالیم فقهی،^۱ اخلاقی-عرفانی^۲ و کلامی، مساوی نیست؛^۳ به بیان دیگر، شرع مقدس اسلام، ثابت و فراتر از تفاسیر انسانی بوده و نمی‌تواند مانند تعالیم فوق، به انسان، زمان و مکان وابسته شود و برعکس، باید مفهومی برای آن در نظر گرفت که با گذر زمان یا تغییر مکان

۱. چنانچه تعالیم فقهی، به‌عنوان بخشی از شرع مقدس در نظر گرفته شود، در آن صورت اولاً: مشخص نیست نظر کدام فقیه باید معیار و مبنا قرار گیرد تا براساس آن، نظر مخالف را تشخیص داد؛ ثانیاً: حتی اگر بتوان نظر یک فقیه یا نظر مشهور فقها را به‌عنوان معیار در نظر گرفت، در آن صورت هر فقهی که نظر مخالف فقیه معیار یا نظر مشهور ارائه کند، باید به‌عنوان مجرم تلقی شود! درحالی‌که اختلاف در آراء و فتاوای فقها یک امر کاملاً عادی و معمول است؛ بنابراین نمی‌توان تعالیم فقهی را به‌معنای شرع مقدس اسلام تلقی کرد.

۲. تعالیم اخلاقی و عرفانی وضعیت مشابه تعالیم فقهی را دارد و بسته به اعتقادهای افراد و همچنین در گذر زمان، تغییر می‌یابد و دامنه شمول آنها، محدود یا گسترده می‌شود.

۳. نظر مخالف: شرع عبارت است از مجموعه قواعد و مقرراتی که از طریق وحی به انبیا رسیده است که شامل مسائل اعتقادی و اخلاقی می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۲۲۷۹).

یا براساس اعتقاد معتقدان، محتوای آن کم و زیاد نشود. با توجه به آنچه گفته شد و همچنین عطف نظر به اینکه یکی از اصول حقوق کیفری، تفسیر محدود یا مضیق قوانین است، واژه‌ها باید به گونه‌ای تفسیر شوند که کمترین دامنہ تعریفی را دربرگرفته و رفتارهای کمتری را شامل شوند تا از تعمیم آن به موارد مشکوک اجتناب شود. همچنین با درنظر گرفتن این مهم که مخاطبان قوانین کیفری، باید موضوع قوانین را به طور شفاف و روشن درک کنند تا بتوانند به راحتی، محدوده آزادی یا ممنوعیت عمل خود را ترسیم کنند که یکی از طرق نیل به این مقصود، تعیین دقیق حدود موضوع جرم است. از این رو عبارت «شرع مقدس اسلام» نیز باید با توجه به مطالب فوق، تفسیر و آن را به موارد یقینی منحصر کرد و از گستره معنایی آن، تا حد ممکن کاست. با پذیرش این منطق، می‌توان گفت منظور از شرع مقدس اسلام، آموزه‌هایی است که در هریک از مذاهب اسلامی به عنوان اصول دین پذیرفته شده‌اند.^۱ این اصول از دیدگاه اهل تسنن عبارتند از: توحید، نبوت و معاد و از دیدگاه اهل تشیع، علاوه بر موارد گفته شده، عدل و امامت نیز در زمره اصول دین قرار می‌گیرد. بنابراین ممکن است، این تلقی به وجود آید که انجام فعالیت آموزشی و تبلیغی انحرافی از جانب فرد اهل تسنن در صورتی که مغایر با اصول سه‌گانه مذهب مزبور یا مخلّ به آنها باشد، در صورت جمع سایر شرایط، می‌تواند مصداق رفتار مجرمانه موضوع بند «۲» ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی باشد و همین‌گونه است چنانچه فرد شیعه، مبادرت به فعالیت آموزشی و تبلیغی کند که علاوه بر انحرافی بودن، مغایر با اصول پنجگانه مذهب مزبور یا مخلّ به آنها باشد.

در صورت تأیید این گزاره، ممکن است سؤال شود^۲ که چنانچه یک مرتکب اهل تسنن، فعالیت آموزشی و تبلیغی انحرافی را انجام دهد که مغایر با اصول مورد قبول مذهب تشیع (عدل و امامت) و یا مخلّ به آن باشد، آیا امکان محکوم

۱. مؤید این تفسیر مصادیق بیان شده ذیل بند «۲» است: ادعای الوهیت، ادعای نبوت و ادعای امامت.

۲. با پذیرش تفاوت میان اهل تسنن و تشیع در مصادیق اصول دین.

کردن وی براساس بند «۲» ماده (۵۰۰) مکرر وجود دارد؟ به نظر می‌رسد با توجه به اینکه قانونگذار در صدر ماده (۵۰۰) مکرر، از عبارت «هرکس» استفاده کرده و داشتن مذهب و عقیده خاصی را در فرد مرتکب، شرط نکرده است و همچنین با توجه به ذکر مصادیق تمثیلی‌ای همچون ادعای امامت به‌عنوان مصداقی از فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مغایر یا مُخل به شرع مقدس اسلام در بند «۲» ماده مزبور، می‌توان مدعی شد که مراد از شرع مقدس اسلام، همان اصول پنجگانه مورد پذیرش در مذهب تشیع اثنی‌عشری است. ضمن اینکه باید توجه داشت که به‌موجب اصل دوازدهم قانون اساسی: «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری است و این اصل الی‌الابد غیرقابل تغییر است ...».

برمبنای آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد صرفاً فعالیت‌هایی طبق بند «۲» ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹، جرم‌انگاری شده و قابل مجازات است که مُخل یا مغایر با یکی از مفاهیم پنجگانه فوق باشد؛ در غیر این صورت، مشمول ماده فوق نخواهد بود. چنین تعریفی از «شرع مقدس اسلام»، با توجه به اینکه معنای مشخص و روشنی دارد و از مباحث اختلافی اجتناب می‌کند، موجب می‌شود مخاطبان قانون نیز تکلیف خود را دانسته و محدوده عمل خویش را به‌راحتی ترسیم کنند و در مقابل، از تفسیر موسع و غیراصولی قانون خودداری می‌شود.^۱ با وجود توضیحات ارائه شده،^۲ نزدیک‌تر به صواب این بود که قانونگذار، منظور خود از عبارت شرع مقدس اسلام و نیز حدود و ثغور آن را به‌روشنی تبیین می‌کرد تا از اعمال نقطه‌نظرهای شخصی در مرحله قضایی،

۱. نکته مهم دیگر که باید مدنظر باشد، این است که فعالیت‌های مذکور، باید خلاف «شرع مقدس اسلام» باشد نه خلاف «اعتقادهای مسلمین» یا «احکام فقهی» و نباید تصور کرد که اعتقادهای مسلمانان، همان شرع مقدس اسلام است. ممکن است یک فعالیت آموزشی یا تبلیغی، کاملاً خلاف اعتقادهای مسلمانان در جامعه اسلامی باشد، اما خلاف شرع نباشد. فرض کنید یک نویسنده، پس از تحقیقات مفصلی که انجام داده، به این نتیجه می‌رسد که فلان عقیده مسلمانان، مبتنی بر خرافات بوده و خلاف شرع است و برای معرفی اسلام واقعی، یافته‌های خود را تبلیغ می‌کند. به‌طبع چنین فعالیتی صرفاً مخالف عقیده مسلمین است و آن را نباید مُخل یا مغایر شرع دانست.

۲. برگرفته از سؤال مدیر کل اداره حقوقی قوه قضائیه از مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی قوه قضائیه و پاسخ آن مرکز به شماره دبیرخانه ۹۰۰/۸۹۱/۴۸۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۰۳.

جلوگیری به عمل آید.^۱

به نظر نگارندگان، استعمال عبارتی همچون «اصول پنجگانه دین اسلام» به جای «شرع مقدس اسلام» و اصلاح ماده مزبور در این راستا، می تواند ضمن ثمربخش بودن، از ابهام ها، تشّت رویه و همچنین تفسیرهای موسّع احتمالی جلوگیری به عمل آورد.

۵. ابهام در مفهوم «فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مُغایر و یا مُخل»

«فعالیت آموزشی^۲ و یا تبلیغی^۳» رفتار بزه کیفری موضوع ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹ را تشکیل می دهد که شرط تحقق آن «مغایر یا مخل بودن به شرع مقدس اسلام» است. طبق مطالعات کتابخانه ای^۴ و تحقیقات میدانی،^۵ یکی از ابهام های مهم در ماده (۵۰۰) مکرر عبارت «مُغایر و یا مُخل» است. از این رو ابتدا نمونه بخش های کدگذاری شده کد ابهام در مفهوم «فعالیت آموزشی یا تبلیغی انحرافی مُغایر یا مُخل» در جدول ۴ ارائه و سپس به بررسی مفهوم عبارت فوق پرداخته می شود.

۱. قانونگذار می تواند مراد خود را از عبارت «شرع مقدس اسلام» در یک تبصره الحاقی بیان کند.

۲. کلمه «آموزش» معادل واژه انگلیسی «Instruction» یا «Teaching» است و این دو واژه در انگلیسی به معنای آموزش، تعلیم و تدریس آمده است. تدریس و آموزش در اصطلاح از هم متفاوتند. آموزش، در اصطلاح به چند معنا آمده است: تحریک و راهنمای یادگیری؛ هنر کمک کردن به یادگیری؛ فراهم آوردن شرایط و اوضاع و احوالی که یادگیری را آسان سازد (شعاری نژاد، ۱۳۷۵: ۳۵).

۳. تبلیغ، انتشار و انتقال اطلاعات و عقاید و دیدگاه هایی است بین فرد یا افرادی به منظور نفوذ و ایجاد دگرگونی و تأثیر در روحیات، افکار و رفتارهای آنها. در واقع می توان گفت، تبلیغات ابزاری است که به کمک آن اطلاعاتی هدفمند (درست یا نادرست) به یک یا گروهی از مخاطبان (خاص و عام) انتقال می یابد، اما در اسلام مراد از تبلیغ آشنا کردن مردم با احکام اسلامی و معارف الهی و بشارت دادن مؤمنان و انذار و هشدار مخالفان است (خندان، ۱۳۷۴: ۶۲).

۴. تحقیق کتابخانه ای روشی معمول برای گردآوری اطلاعات است و شاید آشناترین روش برای محققان تلقی می شود (جاوید، ۱۳۹۸: ۹۴).

۵. در تحقیق میدانی ممکن است به کتابخانه رجوع شود و در آنجا به گردآوری اطلاعات پرداخت؛ یعنی بخشی از تحقیق کتابخانه ای و بخشی میدانی باشد (جاوید، ۱۳۹۸: ۹۳).

جدول ۴. نمونه بخش‌های (متن) کدگذاری شده،

کدِ ابهام در مفهوم «فعالیت آموزشی و تبلیغی انحرافی مُغایر و یا مُخل»

کدگذاری محوری	کدگذاری باز	کد مصاحبه‌شونده	نمونه بخش‌های (متن) کدگذاری شده
فعالیت آموزشی و تبلیغی انحرافی مُغایر و یا مُخل به شرع مقدس اسلام ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹	ابهام در مفهوم «فعالیت آموزشی و تبلیغی انحرافی مُغایر و یا مُخل»	P 517	به‌نظر من مفهوم عبارت «فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مغایر و یا مخل شرع مقدس اسلام» ابهام دارد و تفسیر آن در حوزه علم حقوق امکان ندارد و باید به فقه مراجعه کنیم، نیاز است از علما و مراجع حاضر استفتاء کنیم که کدام‌یک از افکار و عقاید، مَخل و یا مُغایر به شرع مقدس اسلام هستند.
		P 507	من پرونده‌ای داشتم که متهم می‌گفت من پیغمبر آخرالزمان هستم، به او گفتم خاتم‌النبین حضرت محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) است، گفت من خاتم‌الرسل هستم. گفتم چه فرقی می‌کند؟ گفت بالاخره من پیغمبر آخرالزمان هستم، حضرت رسول را قبول دارم اما او پیغمبر قبلی من است و من پیغمبر الان هستم و به اطرافیان خود این مسئله را توضیح و آموزش می‌داد! رفتار این فرد مطابق با بند «۲» ماده (۵۰۰) مکرر و مَخل به شرع مقدس اسلام است.
		P 505	فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مغایر یا مَخل به شرع مقدس اسلام؛ از طرفی... طرُقش را گفته مانند طرح ادعای واهی و کذب در حوزه‌های دینی و مذهبی؛ از قبیل... از قبیل یعنی دارد مصداق را مشخص می‌کند، ادعای الوهیت، ادعای نبوت، پرونده‌ای داشتم که شخصی ادعای خدایی کرده بود و برای این ادعا تبلیغ می‌کرد، قطعاً این فعالیت برخلاف شرع مقدس اسلام می‌شود.
		P 503	مقصود از مَخل به شرع مقدس اسلام، عقاید است که در هیچ کدام از مذاهب اسلامی مورد تأیید نباشد؛ یعنی اعتقادی که واقعاً اسلام را از بین برد.
		P 508	بعضی عرفان‌ها و فرقه‌های نوظهور ادعاهایی دارند که به‌صراحت انحرافی و مَخل و مغایر شرع مقدس اسلام است و برای افکار خود در فضای واقعی و مجازی تبلیغ می‌کنند. به‌نظر می‌رسد هدف از جرم‌انگاری رفتار بند «۲» ماده (۵۰۰) مکرر واکنش‌گیری به آنها می‌باشد.
		P 522	ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی ابهام‌های زیادی دارد و تفاسیر متعددی از عبارات این ماده می‌توان داشت.
		P 504	یک مُغایر شرع اسلام داریم و یک مَخل به شرع اسلام. مغایر یعنی به‌صورت صد درصد مخالف شرع مقدس اسلام است؛ مثلاً کسی بگوید شما روزه سکوت بگیر، این روزه سکوت صد درصد مغایر آیین اسلام است. مَخل یعنی اخلال ایجاد کند در دستورات اسلام. مثلاً در روز اربعین زیارت امام‌حسین مستحب است، فردی بیاید و یک‌چیز جدید بگوید که در زیارت اربعین اخلال ایجاد کند. به‌عبارت‌دیگر مَخل این نیست که مخالفت ایجاد کند، یعنی آن جریان اصلی را مورد حمله‌ای قرار نمی‌دهد بلکه در سرعتش اخلال ایجاد می‌کند. پس این فرق مَخل و مغایر است.
		P 522	ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی ابهام‌های زیادی دارد و تفاسیر متعددی از عبارات این ماده می‌توان داشت.
		P 504	یک مُغایر شرع اسلام داریم و یک مَخل به شرع اسلام. مغایر یعنی به‌صورت صد درصد مخالف شرع مقدس اسلام است؛ مثلاً کسی بگوید شما روزه سکوت بگیر، این روزه سکوت صد درصد مغایر آیین اسلام است. مَخل یعنی اخلال ایجاد کند در دستورات اسلام. مثلاً در روز اربعین زیارت امام‌حسین مستحب است، فردی بیاید و یک‌چیز جدید بگوید که در زیارت اربعین اخلال ایجاد کند. به‌عبارت‌دیگر مَخل این نیست که مخالفت ایجاد کند، یعنی آن جریان اصلی را مورد حمله‌ای قرار نمی‌دهد بلکه در سرعتش اخلال ایجاد می‌کند. پس این فرق مَخل و مغایر است.

مأخذ: همان.

جهت بررسی ابهام موجود در مفهوم «مغایر و یا مَخل» نیاز است ابتدا معنای لغوی و اصطلاحی این دو واژه بازخوانی شود. در لغت‌نامه‌ها برای واژه «مغایر» این تعاریف ذکر شده است: «تاجور، دگرگون» (نرم‌افزار فرهنگ لغت عمید، ذیل واژه

مغایر)، «مخالف، دگرگون» (نرم‌افزار فرهنگ لغت معین، ذیل واژه مغایر)؛ «برخلاف، برعکس، برضد و ناموافق» (نرم‌افزار فرهنگ یار دهخدا، ذیل عنوان مغایر). واژه «مغایر» از ریشه «غیر» گرفته شده و واژه‌ای عربی است و امر مغایر در تضاد با یک پدیده است. با توجه به معنای لغوی واژه «مغایر»، مراد از عقاید و افکار انحرافی مغایر شرع مقدس اسلام، مجموعه اعتقادات و تفکراتی است که مخالف و ناموافق با شرع مقدس اسلام است و البته می‌توان هر رفتاری که منشأ این عقاید و افکار باشد را در شمول آن قرار داد.^۱ بنابراین، فعالیت مغایر در ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹، فعالیتی است که در تضاد با شرع مقدس اسلام باشد.

از سوی دیگر، واژه «مخل» این‌گونه تعریف شده است: «خلل‌رساننده، اخلال‌کننده، فاسدکننده» (نرم‌افزار فرهنگ لغت عمید، ذیل عنوان مخل)، «مفسد، آشوب‌کننده» (نرم‌افزار فرهنگ لغت معین، ذیل واژه مخل)، «فاسدکننده، ویران‌کننده، اضطراب‌کننده، فتنه‌انگیزاننده» (نرم‌افزار فرهنگ یار دهخدا، ذیل عنوان مخل). بر این مبنا، مخل، امری است که یک پدیده یا موضوع را از وضعیت عادی خود خارج می‌کند؛ از این‌رو مراد از عقاید و افکار انحرافی مخل شرع مقدس اسلام، باورها، اعتقادات و اندیشه‌هایی است که هرچند مخالف و متضاد با شرع مقدس اسلام نیست و پایه و اساس آن را زیر سؤال نمی‌برد، اما موجب تزلزل در عقیده و درنهایت، فساد آن می‌شود.

بنابر مطالب ارائه شده، دو واژه مورد بحث از نظر «لغوی» متفاوت هستند و نمی‌توان آنها را هم‌معنا در نظر گرفت؛ اما به نظر می‌رسد قانونگذار از دو واژه «مغایر و مخل» معنایی واحد را مورد نظر دارد. در دو نکته، این برداشت تبیین می‌شود.

۱. به‌عنوان مثال، یکی از آموزه‌های اصلی اسلام، خاتمیت نبوت با پیامبری حضرت محمد (ص) است؛ حال اگر کسی طی فعالیت تبلیغی خود، ادعا کند که فرد دیگری پس از پیامبر (ص) به نبوت برگزیده شده، ادعای او مغایر با شرع مقدس اسلام است؛ زیرا این ادعا کاملاً مخالف آموزه فوق است؛ مانند کسی که در وسط یک جاده، اقدام به ساخت‌وساز می‌کند و امکان تردد را غیرممکن می‌سازد. در این حالت، این رفتار، مغایر فلسفه وجودی جاده است؛ زیرا با وجود ساختمان، نمی‌توان در جاده فرضی، عبور و مرور کرد.

۲. مانند تصادفی در یک جاده اتفاق می‌افتد و در نتیجه، جریان رفت و آمد کند می‌شود و به‌این ترتیب، در وضعیت جاده اخلال ایجاد می‌کند. در این حالت، تصادف یک امر مخل محسوب می‌شود.

نکته نخست: در ماده مزبور، پس از اشاره به فعالیت مغایر یا مخل، مثال‌هایی ذکر شده که با لحاظ آنها، بهتر می‌توان معانی دو واژه مورد بحث را درک کرد. مثال‌های مذکور مشتمل بر مواردی از قبیل «ادعای الوهیت، نبوت یا امامت» است؛ البته واضح است که این موارد، تمثیلی بوده و حصری نیست،^۱ لیکن توجه به این مثال‌ها می‌تواند به درک منظور مقنن، منجر شود. بر این مبنا، فعالیت‌هایی مغایر یا مخل شرع محسوب می‌شود که نظیر چنین ادعاهایی باشد؛ زیرا ادعاهایی در این سطح می‌تواند در تضاد با شرع مقدس باشد یا آن را زیر سؤال برد. برعکس اگر فرضاً کسی با تحقیق و تفحص، با «نصف بودن دیه زن نسبت به مرد» حتی در زمان صدر اسلام، مخالفت کند یا آن را زیر سؤال برد و آن را آموزش دهد، در این حالت نمی‌توان ادعای او را خلاف «شرع مقدس اسلام» دانست؛ زیرا صرفاً یکی از احکام فقهی اسلام را زیر سؤال برده است و نظر او صرفاً در مقابل «تفسیر غالب از احکام» است، اما با شرع مقدس، مقابله و ستیزی ندارد. علاوه بر این، ادعای برابری دیه زن و مرد به‌هیچ‌عنوان در سطح ادعاهایی که در متن بند «۲» ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹ آمده (ادعای الوهیت، نبوت و امامت) نیست؛ بنابراین، عقل و منطق نمی‌پذیرد همان برخوردی که در قبال ادعاهای مذکور صورت می‌گیرد، در قبال ادعای خلاف مشهور نیز صورت گیرد.

نکته دوم: ادعای مخل شرع مقدس، درنهایت معنایی جز مغایرت با آن نخواهد داشت. به عبارت دیگر طرح ادعاهایی که در الوهیت، نبوت یا امامت اخلاف ایجاد می‌کند، به تبع مغایر شرع مقدس اسلام است. به عنوان مثال، فردی نبوت پیامبر (ص) را انکار می‌کند؛ در این حالت، ادعای او مغایر شرع اسلام است، ولی چنانچه در نبوت وی شک کند و مباحثی طرح کند که موجب تردید در بعثت و نبوت پیامبر (ص) شود، در این صورت ادعای او در اصل، خلاف نبوت است و معنایی جز مغایرت با شرع اسلام

۱. استعمال عبارت «از قبیل» در بند «۲» ماده ۵۰۰ مکرر قانون مجازات اسلامی نشان می‌دهد که موارد نام برده شده، تمثیلی است و نه حصری. به عبارت دیگر، موارد مشمول عنوان مجرمانه، محدود به مواردی که قانونگذار در ماده ذکر کرده است، نخواهد شد و هرگونه آموزش و تبلیغ که به تشخیص مرجع صالح قضایی، مغایر با شرع مقدس اسلام تشخیص داده شود، مشمول مجازات است. (چوپانزاده و فرناق، ۱۴۰۱: ۱۴۳)

ندارد. در نتیجه، هر ادعایی که موجب اخلاف در این امور باشد، خودبه‌خود مغایر هم خواهد بود و ادعایی وجود ندارد که مخلّ باشد، اما مغایر نباشد.^۱ بر مبنای آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد باید واژه‌های «مغایر» و «مخلّ» را به‌رغم تفاوت در معنای لغوی، در ماده مذکور هم‌معنا دانست هر چند به‌نظر نگارندگان، بهتر است قانونگذار ضمن اصلاح بند «۲» ماده (۵۰۰) مکرر در لایحه تعزیرات، به‌جای استعمال عبارت مبهم «... مغایر و یا مخلّ...» از عبارتی صریح‌تر و کمتر تفسیربردار همچون «مخالف» استفاده کرده و به‌جای «مغایر و یا مخلّ به شرع مقدس اسلام» عبارت «مخالف با اصول پنجگانه دین اسلام» را جایگزین کند. در این صورت، آن دسته از فعالیت‌های آموزشی و تبلیغی انحرافی، مصداق بند «۲» ماده (۵۰۰) مکرر واقع شده و در مخالفت کامل و تضاد بنیادین با اصول پنجگانه مذهب تشیع باشند. امری که ضمن کاهش دامنه شمول و مصداق عمل مجرمانه، باعث وضوح هر چه بیشتر گزاره‌های قانونی در راستای تحقق اصل کیفی بودن قوانین کیفری خواهد شد.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

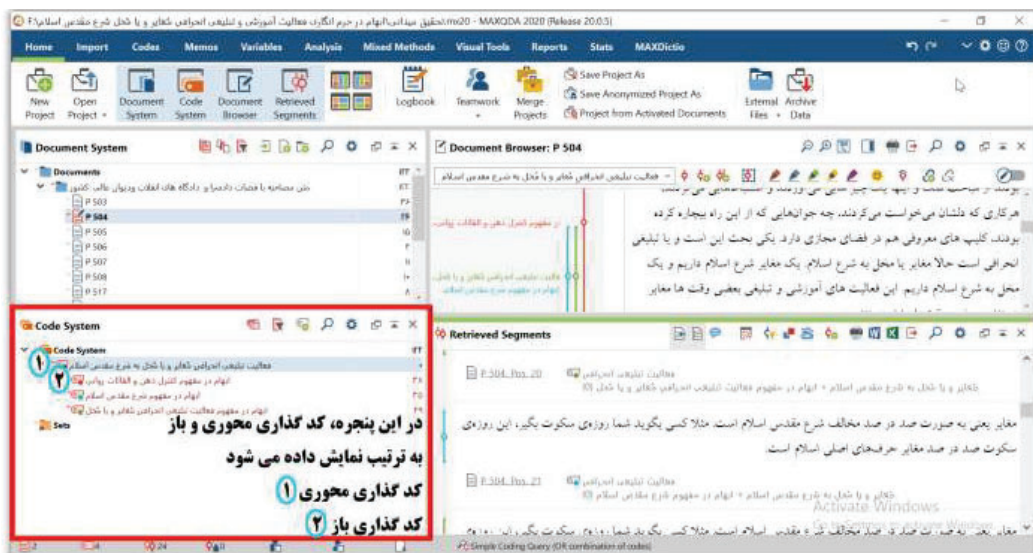
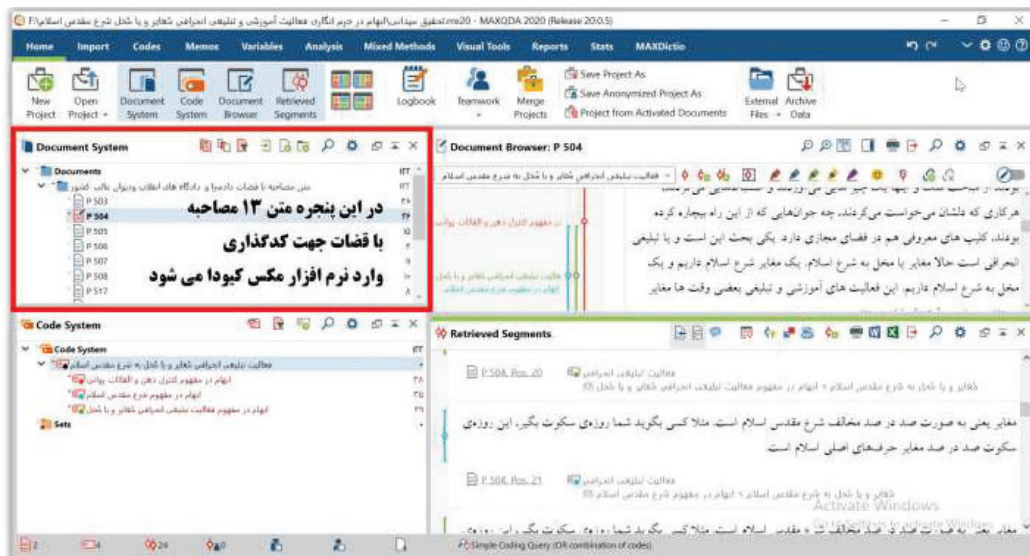
براساس نتایج به‌دست آمده از پژوهش حاضر، در ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹ سه عبارت «کنترل ذهن و القاءات روانی»، «شرع مقدس اسلام» و «فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مغایر و یا مخلّ» ابهام دارد. در جرائم علیه امنیت که هدف آن ثبات حکومت و تلاش برای استحکام بخشیدن به اصل نظام حاکم است، مهم‌ترین و حساس‌ترین چالش، تقابل میان «حقوق حاکمیت» و «حقوق شهروندی» است. بنابراین ضروری است قانون‌نویسی این‌گونه جرائم، بدون ابهام صورت گیرد؛ اما جرم‌انگاری ابهام‌گونه ماده (۵۰۰) مکرر و استفاده از عباراتی که ریشه فقهی یا حقوقی نداشته و بعضاً نامأنوس با ادبیات تخصصی حقوق کیفری هستند، کوتاهی قانونگذار در جرم‌انگاری فنی را مشهود می‌کند؛ چراکه شایسته نیست

۱. برگرفته از سؤال مدیر کل اداره حقوقی قوه قضائیه از مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی قوه قضائیه و پاسخ آن مرکز به شماره دبیرخانه ۸۹۱/۴۸۰/۹۰۰۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۰۳.

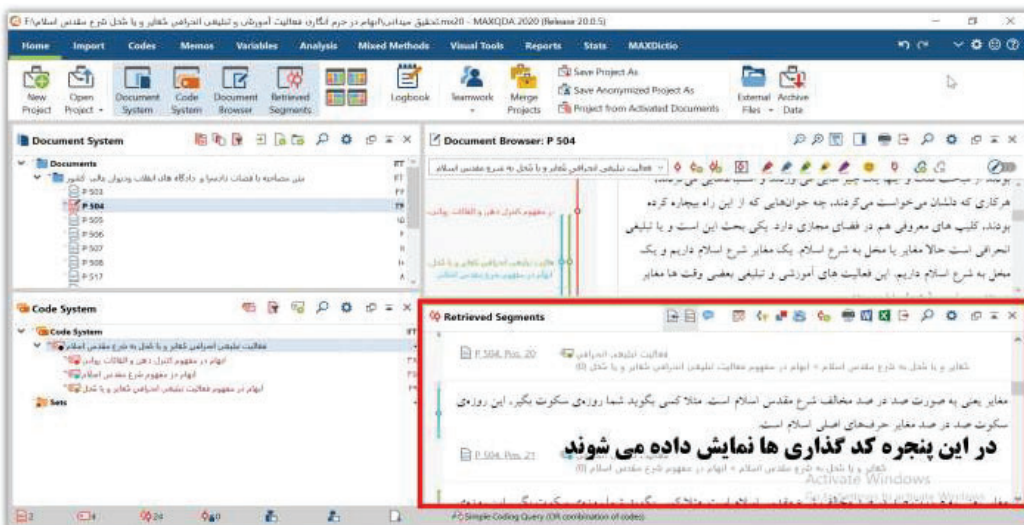
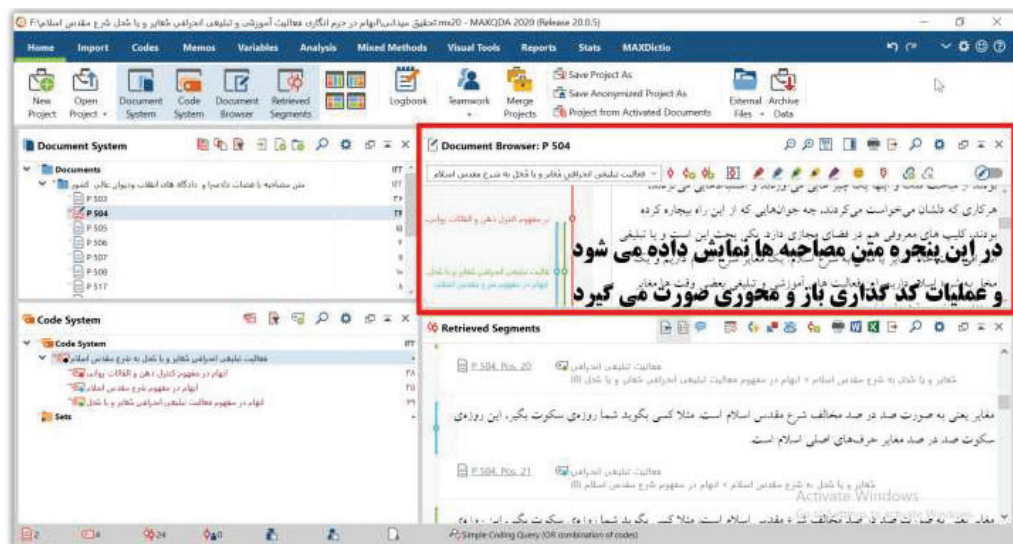
قوانین کیفری که حساسیت بالایی داشته و با حقوق دفاعی و آزادی‌های بنیادین افراد مرتبط هستند به این صورت مبهم، نارسا و غیراصولی تدوین شود. این گونه جرم‌انگاری، موجب تشّت آرای قضایی، ایجاد بستر اعمال نظریات شخصی قضات و همچنین موجب دوری هرچه بیشتر از اصول دادرسی منصفانه و موازین حقوق کیفری، نقض شهروندی افراد و درنهایت مشروعیت‌زدایی از واکنش‌های کیفری اتخاذی در این راستا، خواهد شد. اگرچه امکان رفع ابهام از پاره‌ای موارد گفته‌شده در قالب دکترین حقوقی یا نظریات مشورتی اداره کل حقوقی و مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی قوه قضائیه وجود دارد، اما این شیوه از تصویب قوانین کیفری و جرم‌انگاری را نمی‌توان مورد تأیید قرار داد و اصلاح تخصصی و فنی ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹ در لایحه تعزیرات پیش رو، ضروری است. پیشنهاد راهبردی نگارندگان در این راستا برمبنای آنچه گفته شد: نخست، حذف عبارت زائد و مبهم «... و استفاده از شیوه‌های کنترل ذهن و القاءات روانی ...» در صدر ماده مزبور و دوم، جایگزینی عبارت «مخالف با اصول پنجگانه دین اسلام» به جای «مغایر و یا مُخل به شرع مقدس اسلام» در بند «۲» آن است تا از این طریق، ضمن ابهام‌زدایی از عبارات قانونی، پیشگیری از تفسیرهای موسّع احتمالی به نقض حقوق و آزادی‌های افراد منجر نشود.

پیوست‌ها

پیوست ۱. مراحل کدگذاری باز و کدگذاری محوری در نرم‌افزار MAXQDA 2020



ابهام در جرم انگاری فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مُغایر و یا مُخل ... ۱۰۷



در نرم افزار مکس کیودا چهار پنجره اصلی وجود دارد که عبارت اند از:

۱. پنجره Document system محلی برای فراخوانی متن مصاحبه ها، متن آرایی دادگاه انقلاب و متن مشاهدات پژوهشگر است.
۲. پنجره Code system محلی برای سازمان دهی و مدیریت کدهای استخراج شده

باز (کدگذاری آزاد) است و سپس در همین پنجره کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام می‌شود.

۳. پنجره Document Browser محلی برای مشاهده متن مصاحبه‌ها است و کدگذاری متن‌ها از طریق این پنجره انجام می‌شود.

۴. پنجره Retrieved Segments جهت مشاهده متن کدگذاری‌های انجام شده و معروف به پنجره بازیابی است.^۱

پیوست ۲. محورهای سؤال‌های مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و عمیق با قضات دادسرا عمومی و انقلاب و قضات دادگاه انقلاب

سؤال‌های اصلی:

- نظر خود را درخصوص نحوه و چگونگی تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۹ بفرمایید؟
- به‌نظر شما مهم‌ترین چالش یا ابهام در متن قانون در متن ماده ۵۰۰ مکرر چیست؟

سؤال‌های پیگیری:

- به‌نظر شما، منظور از عبارت «کنترل ذهن و القائات روانی» در ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی چیست؟
- نحوه ارتباط بین عبارت «کنترل ذهن و القائات روانی» مذکور در صدر ماده (۵۰۰) مکرر و بند «۱» و «۲» م ماده (۵۰۰) مکرر را شرح دهید؟
- به‌نظر شما، منظور از عبارت «شرع مقدس اسلام» در ماده (۵۰۰) مکرر قانون

۱. قدردانی ویژه از آقای عنایت‌الله زمانپور (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، رشته سنجش و اندازه‌گیری) که با خوش‌رویی و تواضع درخصوص روش تحقیق، نحوه و چگونگی انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و عمیق، کدگذاری متن مصاحبه‌ها و درنهایت استفاده از نرم‌افزارهای تخصصی تحلیل داده‌های کیفی، ما را یاری کردند.

مجازات اسلامی چیست؟

- با توجه به اینکه طبق تصریح بند «۲» ماده (۵۰۰) مکرر، «فعالیت آموزشی یا تبلیغی» باید «مغایر یا مخل به شرع مقدس اسلام» باشد، مفهوم عبارت «مغایر و مُخل» را شرح دهید؟

- چگونه می‌توان بین مصادیق بیان شده در بند «۲» ماده (۵۰۰) مکرر (از طرقی مانند طرح ادعاهای واهی و کذب در ح حوزه‌های دینی و مذهبی از قبیل ادعای الوهیت، نبوت، امامت یا ارتباط با پیامبران یا ائمه اطهار علیهم‌السلام) و متن بند «۲» ماده (۵۰۰) مکرر (فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مغایر و یا مخل به شرع مقدس اسلام) ارتباط برقرار کنیم؟

پیوست ۳. مشخصات افراد مصاحبه‌شونده

ردیف	کد مصاحبه شونده	جنس	سن	تحصیلات	محل خدمت	سابقه قضاوت
۱	P 504	مرد	۴۱ سال	دانشجوی دکتری حقوق	رئیس شعبه دادگاه انقلاب	۱۴ سال
۲	P 521	مرد	۴۵ سال	کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی	رئیس شعبه دادگاه انقلاب	۱۲ سال
۳	P 517	مرد	۳۶ سال	کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی	دادرش شعبه دادگاه انقلاب	۱۱ سال
۴	P 503	مرد	۴۵ سال	سطح ۴ حوزوی	رئیس شعبه دادگاه انقلاب	۱۳ سال
۵	P 520	مرد	۴۸ سال	کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی	دادرش شعبه دادگاه انقلاب	۹ سال
۶	P 525	مرد	۴۹ سال	کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی	رئیس شعبه دادگاه انقلاب	۱۰ سال
۷	P 523	مرد	۴۲ سال	سطح سه حوزوی	بازپرس دادرسی عمومی و انقلاب	۸ سال
۸	P 508	مرد	۴۸ سال	دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی	دادستان شهرستان	۱۴ سال
۹	P 506	مرد	۳۶ سال	دانشجوی دکتری حقوق	دادرش شعبه دادگاه انقلاب	۹ سال

ردیف	کد مصاحبه شونده	جنس	سن	تحصیلات	محل خدمت	سابقه قضاوت
۱۰	P 505	مرد	۳۸ سال	دانشجوی دکتری حقوق	دادستان شهرستان	۱۲ سال
۱۱	P 522	مرد	۴۷ سال	دکتری حقوق	معاون قضایی رئیس کل دادگستری	۲۱ سال
۱۲	P 524	مرد	۵۲ سال	دکتری حقوق	قائم مقام رئیس کل دادگستری	۲۵ سال
۱۳	P 507	مرد	۵۱ سال	دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی	قاضی دیوان عالی کشور	۲۳ سال

پیوست ۴. پایایی و اعتبار یافته‌ها (کدها)

در پژوهش کیفی منظور از اعتبار، مفاهیمی همچون دفاع‌پذیری، باورپذیری، تصدیق‌پذیری و حتی بازتاب‌پذیری نتایج تحقیق صورت گرفته است، به‌طوری‌که اگر فرد دیگری این پژوهش را انجام می‌داد به نتایجی می‌رسید که در پژوهش حاضر استخراج شده است. یکی از شاخص‌های پایایی پژوهش کیفی، در نرم‌افزار MAQDA 2020 استفاده از نوار ابزار Similarity Analysis for Documents است که نشان‌دهنده ماتریس همبستگی افراد مصاحبه‌شونده در کدگذاری‌ها است. براساس یافته‌های جدول فوق، برای هریک از کدهای انتخابی پژوهش حاضر، می‌توان میزان همبستگی نظرات بین افراد مصاحبه‌شونده با یکدیگر را مشخص کرد. به این صورت که مقدار تقاطع سطر و ستون هر فرد مصاحبه‌شونده با خودش، قطعاً مقدار ۱ است اما ما دنبال این عدد نیستیم، بلکه باید بتوان هر فرد موردنظر را با دیگر افراد مصاحبه‌شونده بررسی کرد.

برای مثال فرد مصاحبه‌شونده P ۵۰۳ با فرد مصاحبه‌شونده P ۵۰۵ دارای مقدار همبستگی ۰/۶۷ و فرد مصاحبه‌شونده P ۵۰۴ با فرد مصاحبه‌شونده P ۵۰۸ دارای مقدار همبستگی ۰/۵۴ است. تفسیر این اعداد، این‌گونه است که فرد P ۵۰۳ و P ۵۰۵ با همدیگر ۶۷ درصد نقطه اشتراک دارند، همچنین فرد P ۵۰۴ و P ۵۰۸ با همدیگر

۵۴ درصد نقطه اشتراک دارند. لذا ۶۷ یا ۵۴ درصد نقطه اشتراک، نشان‌دهنده میزان پایایی و اعتبار پژوهش است.

ماتریس همبستگی (پایایی و اعتبار) افراد مصاحبه‌شونده

Docum	P 503	P 504	P 505	P 506	P 507	P 508	P 517	P 521	P 522	P 523	P 524	P 525
P 503	1/00	0/53	0/67	0/36	0/33	0/27	0/17	0/00	0/18	0/18	0/00	0/08
P 504	0/53	1/00	0/62	0/33	0/42	0/54	0/15	0/08	0/17	0/17	0/08	0/17
P 505	0/67	0/62	1/00	0/44	0/56	0/31	0/09	0/00	0/22	0/22	0/11	0/10
P 506	0/36	0/33	0/44	1/00	0/13	0/09	0/00	0/00	0/20	0/20	0/00	0/20
P 507	0/33	0/42	0/56	0/13	1/00	0/30	0/14	0/00	0/17	0/40	0/20	0/00
P 508	0/27	0/54	0/31	0/09	0/30	1/00	0/22	0/13	0/25	0/11	0/13	0/11
P 517	0/17	0/15	0/09	0/00	0/14	0/22	1/00	0/00	0/00	0/00	0/00	0/00
P 521	0/00	0/08	0/00	0/00	0/00	0/13	0/00	1/00	0/00	0/00	0/00	0/00
P 522	0/18	0/17	0/22	0/20	0/17	0/25	0/00	0/00	1/00	0/33	0/00	0/00
P 523	0/18	0/17	0/22	0/20	0/40	0/11	0/00	0/00	0/33	1/00	0/00	0/00
P 524	0/00	0/08	0/11	0/00	0/20	0/13	0/00	0/00	0/00	0/00	1/00	0/00
P 525	0/08	0/17	0/10	0/20	0/00	0/11	0/00	0/00	0/00	0/00	0/00	1/00

پیوست ۵. متن کامل ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹/۱۱/۲۷

هرکس در قالب فرقه، گروه، جمعیت یا مانند آن و استفاده از شیوه‌های کنترل ذهن و القائات روانی در فضای واقعی یا مجازی مرتکب اقدامات زیر گردد، چنانچه رفتار وی مشمول حد نباشد، به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از این دو مجازات و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه پنج محکوم می‌گردد. مجازات سردستگی فرقه یا گروه مزبور مطابق ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ تعیین می‌شود:

۱. هر اقدامی که موجب تسلط روانی یا جسمی بر دیگری شود به‌نحوی که فرد مورد بهره‌کشی و سوءاستفاده جنسی، جسمی یا مالی واقع شود و یا در اثر آسیب‌رسانی به

قدرت تصمیم‌گیری فرد و تشویق وی به ارتکاب جرائمی از قبیل اعمال منافعی عفت، مصرف مشروبات الکلی، مواد مخدر و یا مواد روان‌گردان، خودآزاری یا دیگرزنی، فرد مرتکب این اقدامات گردد.

۲. هرگونه فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مغایر و یا مخل به شرع مقدس اسلام از طرقی مانند طرح ادعاهای واهی و کذب در حوزه‌های دینی و مذهبی از قبیل ادعای الوهیت، نبوت یا امامت و یا ارتباط با پیامبران یا ائمه اطهار (علیهم‌السلام).

تبصره ۱- تأمین مالی و یا هر نوع حمایت مادی دیگر از گروه‌های موضوع این ماده با آگاهی از ماهیت آنها موجب محکومیت به حبس درجه پنج و جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر ارزش کمک‌های مالی و حمایت‌های مادی ارائه شده می‌باشد. چنانچه مرتکب شخص حقوقی باشد به انحلال و پرداخت جزای نقدی مذکور محکوم می‌گردد.

تبصره ۲- ارتباط گروه‌های موضوع این ماده با خارج از کشور برای دریافت حمایت یا هدایت‌های تشکیلاتی موجب تشدید مجازات مقرر به میزان یک درجه می‌گردد.

تبصره ۳- اموال سرده‌ها و اشخاص تأمین‌کننده مالی گروه‌های موضوع این ماده که ناشی از جرم بوده یا برای ارتکاب جرم استفاده یا به این منظور تهیه شده باشد و اموال متعلق به گروه‌های مزبور به نفع بیت‌المال مصادره می‌گردد. در صورتی که مشخص شود اموال متعلق به دیگری بوده یا دیگری نسبت به آن صاحب حق باشد و آن اموال به منظور انجام افعال مجرمانه در اختیار اشخاص و گروه‌های مذکور قرار نگرفته باشد، اموال مزبور به مالک یا صاحب حق مسترد و مرتکب معادل ارزش آن به جزای نقدی محکوم می‌شود، یا چنانچه مشخص شود مجرم نسبت به دیگری دین دارد و اموال استفاده شده در ارتکاب جرم یا تهیه شده به منظور ارتکاب جرم، متعلق به خود او است و ناشی از جرم نیست، اموال وی معادل ارزش دین حال به طلبکار یا طلبکاران مسترد و مجرم معادل ارزش اموال مسترد شده به جزای نقدی محکوم می‌شود.

ابهام در جرم انگاری فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مُغایر و یا مُخل ... _____ ۱۱۳

تبصره ۴- امور آموزشی و پژوهشی و سایر اقدامات مشابه به منظور رد و طرد و پاسخگویی به شبهات و نقد عقاید گروه‌های موضوع این ماده از شمول حکم این ماده و ماده (۴۹۹ مکرر) این قانون خارج است.

منابع و مآخذ

۱. آخوند خراسانی، محمدکاظم (ق ۱۴۰۹). کفایه الاصول، قم، انتشارات مؤسسه آل‌البیت (ع) لإحياء التراث.
۲. اسدی وانانی، سیدرضا، محمد محسنی دهکلانی، سعید ابراهیمی و عباسعلی سلطانی (۱۳۹۸). «تبیین فقهی اباحه پدیده نوظهور هیپنوتیزم»، مجله فقه پزشکی، ش ۳۸ و ۳۹.
۳. امام‌وردی، محمدحسن (۱۳۹۹). ابهام‌زدایی از زبان حقوقی، تهران، انتشارات مجد.
۴. امیدی، جلیل (۱۳۹۴). تفسیر قانون در حقوق جزا، تهران، انتشارات مخاطب.
۵. جاوید، محمدجواد (۱۳۹۸). روش تحقیق در علم حقوق، چاپ چهارم، تهران، نشر مخاطب.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد سوم، انتشارات گنج دانش.
۷. جمعی از نویسندگان (۱۳۷۵). دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد یازدهم، تهران، انتشارات مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۸. جهانیان، رمضان و مهرناز روحی (۱۳۹۹). «کاربرد مدیریت ذهن و هوش در آموزش»، نشریه مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی، ش ۴۹.
۹. چمپیون، دین جان (۱۳۹۵). روش تحقیق در عدالت کیفری و جرم‌شناسی، ترجمه علی شایان، جلد اول، تهران، انتشارات دادگستر.
۱۰. چوپان‌زاده، پوریا و حمید فرناق (۱۴۰۱). «ممنوعیت قانونی فعالیت تبلیغی بهائیان در ایران»، نشریه بهائی‌شناسی، ش ۲۱.
۱۱. خاکی، غلامرضا (۱۳۸۶). روش تحقیق، تهران، انتشارات سمت.
۱۲. خندان، محسن (۱۳۷۴). تبلیغ اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۹۵). نرم‌افزار فرهنگ یار دهخدا، نسخه ۳/۱.
۱۴. دیلمی، احمد (۱۳۸۲). بایسته‌های تفسیر قوانین با تأکید بر قوانین اساسی و مدنی، قم، انتشارات دانشگاه قم.
۱۵. سلیمی، انسیه (۱۴۰۱). «مسئولیت کیفری قربانیان کنترل ذهن با تأکید بر ماده (۵۰۰) مکرر قانون مجازات اسلامی»، دهمین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در فقه، حقوق و علوم انسانی.
۱۶. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۷۵). فرهنگ علوم رفتاری، چاپ دوم، تهران، نشر امیرکبیر.
۱۷. صادقی‌مقدم، محمدحسن و محمدحسن امام‌وردی (۱۳۹۲). «گونه‌هایی از ابهام در گزاره‌های قانونی»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره پنجم، سال دوم، ش ۳.
۱۸. عمید، حسن (۱۳۹۸). نرم‌افزار فرهنگ لغت عمید.

۱۹. قیاسی، جلال‌الدین (۱۳۹۸). *روش تفسیر قوانین کیفری*، قم، چاپ دوم، انتشارات مؤسسه بوستان کتاب.

۲۰. کریمی‌نیا، محمدمهدی، مجتبی انصاری‌مقدم و مریم زاهدی (۱۴۰۰). «تحلیلی بر کنترل ذهن»، نشریه پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، ش ۴۴.

۲۱. مرعشی، سیدعلی (۱۴۰۰). *درسنامه روان‌شناسی/اسلامی*، چاپ اول، اهواز، انتشارات معتبر.

۲۲. مظفر، محمدرضا (۱۳۹۱). *اصول فقه*، جلد اول، چاپ یازدهم، قم، انتشارات دارالفکر.

۲۳. معین، محمد (۱۳۹۵). *نرم‌افزار فرهنگ لغت معین*.